

سوره قلم

شماره: ۶۸

جزء: ۲۹

محل نزول: مکه

ترتیب نزول: ۲

تعداد آیه: ۵۲

ahlolbait.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش

همیشگی.

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ

ن، سوگند به قلم و آنچه می نویسند، (۱)

مَا أَنْتَ بِمَجْنُونٍ

که به سبب نعمت و رحمت پروردگارت [که نبوت، دانش و

بصیرت است] تو مجنون نیستی؛ (۲)

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ

و بی تردید برای تو پاداشی دایم و همیشگی است؛ (۳)

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ

و یقیناً تو بر بلندای سجایای اخلاقی

عظیمی قرار داری. (۴)

فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ

پس به زودی می بینی و [منکران هم] می بینند، (۵)

بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ

که کدام یک از شما دچار جنون اند؛ (۶)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ
أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

بی تردید پروردگارت بهتر می داند چه کسی از راه او گمراه
شده، و او به راه یافتگان داناتر است. (۷)

فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ

از تکذیب کنندگان [قرآن و نبوت] فرمان مبر. (۸)

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ

دوست دارند نرمد کنی تا نرمی کنند، (۹)

وَلَا تُطِيعُ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ

و از هر سوگند خورده زبون و فرومایه فرمان مبر، (۱۰)

هَمَّازٍ مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ

آنکه بسیار عیب جوست، و برای سخن چینی

در رفت و آمد است، (۱۱)

مَنَاعِ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَتِيْمٍ

به شدت بازدارنده [مردم] از کار خیر و متجاوز

و گنهکار است. (۱۲)

عُتِّلِ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ

گذشته از این ها کینه توز و بی اصل و نسب است، (۱۳)

أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ

[سرکشی و یاغی گری اش] برای آن [است] که دارای ثروت

و فرزندان فراوان است. (۱۴)

إِذَا تُلِّيَ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

هنگامی که آیات ما را بر او می خوانند، گوید: افسانه های

پیشینان است! (۱۵)

سَنَسِيْمُهُ عَلٰى الْخُرْطُوْمِ

به زودی بر بینی [پر باد و خرطوم مانند]ش داغ رسوایی و

خواری می نهیم. (۱۶)

إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا
لَيَصْرُنَّهَا مُصْبِحِينَ

بی تردید ما آنان را [که در مکه بودند] آزمودیم همان گونه که
صاحبان آن باغ را [در منطقه یمن] آزمودیم، هنگامی که سوگند
خوردند که صبحگاهان حتماً میوه های باغ را بچینند، (۱۷)

وَلَا يَسْتَنْوْنَ

و چیزی از آن را [برای تهیدستان و نیازمندان]

استثنا نکردند. (۱۸)

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ

پس در حالی که صاحبان باغ در خواب بودند، بلایی فراگیر
از سوی پروردگارت آن باغ را فرا گرفت. (۱۹)

فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ

پس [آن باغ] به صورت شبی تاریک درآمد [و جز خاکستر

چیزی در آن دیده نمی شد!] (۲۰)

فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ

وهنگام صبح یکدیگر را آواز دادند، (۲۱)

أَنْ اِغْدُوا عَلٰى حَرْثِكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صَارِمِيْنَ

که اگر قصد چیدن میوه دارید بامدادان به سوی کشتزار و

باغتان حرکت کنید؛ (۲۲)

فَانْطَلِقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ

پس به راه افتادند در حالی که آهسته به هم می گفتند: (۲۳)

أَنْ لَا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ

امروز نباید نیازمندی در این باغ بر شما وارد شود (۲۴)

وَغَدَوَا عَلَىٰ حَرْدٍ قَادِرِينَ

و بامدادان به قصد اینکه تهیدستان را محروم گذارند به سوی

باغ روان شدند. (۲۵)

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ

پس چون [به باغ رسیدند و آن را نابود] دیدند، گفتند: یقیناً ما
گمراه بوده ایم [که چنان تصمیم خلاف حقی درباره مستمندان و
تهیدستان گرفتیم.] (۲۶)

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ

بلکه ما [از لطف خدا هم] محرومیم. (۲۷)

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ

عاقل ترینشان گفت: آیا به شما نگفتم که چرا خدا را [به پاک بودن
از هر عیب و نقصی] یاد نمی کنید [و چرا او را از انتقام گرفتن
درمانده می دانید؟!] (۲۸)

قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

گفتند: پروردگارا! تو را به پاکی می ستاییم، مسلماً ما

ستمکار بوده ایم. (۲۹)

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتْلَاوُمُونَ

پس به یکدیگر رو کرده به سرزنش و ملامت

هم پرداختند. (۳۰)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ

گفتند: وای بر ما که طغیان گر بوده ایم. (۳۱)

عَسَىٰ رَبَّنَا أَنْ يُدِئِلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ

امید است پروردگارمان بهتر از آن را به ما عوض دهد چون ما [از هر

چیزی دل بریدیم و] به پروردگارمان راغب و علاقه مندیم. (۳۲)

كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ
كَانُوا يَعْلَمُونَ

چنین است عذاب [دنیا] و عذاب آخرت اگر معرفت و
آگاهی داشتند، بزرگ تر است. (۳۳)

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ

بی تردید برای پرهیزکاران نزد پروردگارشان بهشت های
پر نعمت است. (۳۴)

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ

آیا ما تسلیم شدگان [به فرمان ها و احکام خود] را چون

مجرمان قرار می دهیم؟ (۳۵)

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

شما را چه شدہ؟ چگونہ داوری می کنید؟! (۳۶)

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ

آیا شما را کتابی [آسمانی از نزد خدا] ست که در آن

می خوانید (۳۷)

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ

که در آن جهان هر چه را شما بخواهید و انتخاب کنید برای

شما خواهد بود؟! (۳۸)

أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بَالِغَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا
تَحْكُمُونَ

یا شما را بر ما تا روز قیامت پیمان و سوگند استواری است
که هر چه را به سود خود حکم کنید ویژه شماست؟! (۳۹)

سَأَلُهُمْ أَتَيْتُمْ بِذَلِكَ زَعِيمًا

از آنان پرس کدامشان ضامن آن ادعاست [که مسلمان و

مجرم یکسانند؟!] (۴۰)

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ

یا شریکانی [در ربوبیت خدا] دارند [که از آنان نزد خدا شفاعت
کنند که در اجر و ثواب با مسلمانان یکسان شوند؟] پس اگر
راستگویند، شریکانشان را [به میدان] آورند. (۴۱)

يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ
فَلَا يَسْتَطِيعُونَ

[یاد کن] روزی را که کار بر آنان به شدت سخت و دشوار شود، [و آن روز که جای هیچ تکلیف و عبادتی نیست به عنوان سرزنش و ملامت] به سجده کردن دعوت شوند، ولی در خود قدرت و استطاعت [سجده کردن] نیابند! (۴۲)

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ۖ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى
السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ

دیدگانشان از شرم و حیا، فرو افتاده، خواری و ذلت آنان را فرا گیرد و اینان [در
دنیا] به سجده [بر خدا] دعوت می شدند در حالی که تندرست بودند [ولی
از فرمان خدا متکبرانه روی می گرداندند]. [۴۳]

فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ ^ط سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ
لَا يَعْلَمُونَ

پس مرا با کسانی که این قرآن را انکار می کنند واگذار، به زودی
ما آنان را به تدریج از آن جا که نمی دانند [به سوی عذاب]
می کشانیم؛ (۴۴)

وَأْمَلِي لَهُمْ جَإِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ

و [البته] آنان را مهلت می دهیم [تا گناهشان را در حال بی خبری
به نهایت برسانند]، بی تردید نقشه و تدبیر من استوار است.

(۴۵)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ

[اینکه دعوت را نمی پذیرند] مگر از آنان در برابر ابلاغ رسالت

پاداشی می طلبی که از خسارت و زیانش سنگین بارند؟ (۴۶)

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ

یا غیب نزد آنان است و آنان از روی آن [می نویسند] و خود با
تکیه بر آن به ادعاهای خود یقین می کنند و به دیگران هم خبر
می دهند؟ (۴۷)

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْأُخْتِ إِذْ نَادَى
وَهُوَ مَكْظُومٌ

پس در برابر حکم و قضای پروردگارت [که هلاک کردن تدریجی این طاغیان است] شکیباش و مانند صاحب ماهی [یونس] مباش [که شتاب در آمدن عذاب را برای قومش خواست و به این علت در شکم ماهی محبوس شد] و در آن حال با دلی مالا مال از اندوه، خدا را ندا داد. (۴۸)

لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ

اگر رحمت و لطفی از سوی پروردگارش او را در نیافته بود، یقیناً
نکوهش شده به صحرائی بی آب و گیاه افکنده می شد. (۴۹)

فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ

پس پروردگارش او را برگزید و از شایستگان قرار داد (۵۰)

وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا
الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ

و کافران چون قرآن را شنیدند، نزدیک بود تو را با چشمانشان بلغزانند [و
از پای درآورند] و می گویند: بی تردید او دیوانه است! (۵۱)

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

در حالی که قرآن جز مایه تذکر و پند برای

جهانیان نیست. (۵۲)